

ریشه های انفعال در میان مهاجرین سیاسی!

با آنکه آمار رسمی در باره مهاجرین و ایرانیان خارج از کشور در دست نیست، اما این رقم را بیش از ۳ میلیون نفر تخمین می زنند. همچنین گفته می شود که نیمی از این مهاجرین در آمریکا زندگی می کنند. از این جمع تنها ۶۷ هزار و ۸۳۱ نفر در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ایران شرکت کرده و به کاندیدها رای دادند. جمع آراء محمد خاتمی در خارج از کشور ۵۰ هزار و ۳۴۲ رای بود. این بی اعتنائی به رویدادهای داخل کشور و قرارنگرفتن مهاجرین در کنار آن حدود ۳۰ میلیونی که در انتخابات شرکت کردند را چگونه باید ارزیابی کرد؟ چه عواملی در این امر نقش داشته است؟

هیچکس نمی تواند منکر دو واقعیت بشود: اول اینکه جمعی از این مهاجرین شناسنامه و گذرنامه ایرانی ندارند (که رقم آن چندان چشمگیر نیست) و دوم اینکه اکثریت مطلق که مخالف سیاست های جمهوری اسلامی هستند. اما این دو دلیل، همه واقیعت مربوط به انفعال مهاجرت در برخورد با رویدادهای ایران نیست. این واقیعت را اگر نپذیریم و بدنبال دلائل واقعی این انفعال نگردیم، آنوقت نمی توانیم چاره ای یافته و مهاجرت را به داخل کشور وصل کنیم.

بنظر ما، همانطور که در تمام این سال های اخیر تکرار کرده ایم، تبلیغات جناح راست مهاجر، که از امکانات وسیع تبلیغاتی برخوردار است و همچنین خود باختگی پیش قابل توجهی از نیروهای مترقی و چپ ایران در برابر پیروزی امپریالیسم در جنگ سرد و ضربات وارده به اردوگاه سوسیالیسم و انقلاب در بوجد آمدن این وضع نقش تعیین کننده داشته است.

از میان وسائل و امکانات جناح راست مهاجر، اگر به نقش رادیو اسرائیل و کیهان چاپ لندن اشاره نشود، اعضاضی تاریخی صورت گرفته است. منبع خبری تقریباً تمامی رادیوهای فارسی زبان خارج از کشور، رادیو اسرائیل است و خط دهنده به اکثریت قریب به اتفاق رادیوهای فارسی زبان، کیهان لندن. این در حالی است که کیهان لندن و رادیو اسرائیل پیوندهای ناگسستی خود را نیز دارند. پیوندی که یک سرش به منبع مالی کیهان لندن در اسرائیل و توسط یگاندها پهلوی (بویژه اشرف پهلوی) بازمی گردد و طبعاً سیاست نیز در همین کشور یا این منبع مالی پیوند می یابد. هماهنگی و همخوانی این دو وسیله با یکدیگر نه حیرت انگیز که هول انگیز است. چرا هول انگیز؟ بدان خاطر که اگر ایرانی ها، رادیو اسرائیل را به هر حال بعنوان رادیوسی متعلق به کشور دیگری ارزیابی و باز می شناسند، کیهان لندن را نشریه ای می شناسند که توسط جمعی از روزنامه نویسان ایرانی انتشار می یابد و طبعاً ماهیت و پیوند آن با سیاست های اسرائیل در برابر ایران و منطقه می تواند زیر این پوشش پنهان بماند، که مانده است!

آنچه بعنوان واقعیات تلخ و بسیار جدی برای سرانجام ایران، در داخل کشور روی می دهد، اغلب در این نشریه و رادیو اسرائیل بعنوان رویدادی خنده دار و یا افشاء کننده ماهیت روینانی جمهوری اسلامی معرفی شده و در خدمت سیاست براندازی کور جمهوری اسلامی و بازگشت رژیم گذشته به ایران تبلیغ می شود! بدین ترتیب است که در تمام سال های اخیر و بنا به وعده و سیاستی که کیهان لندن و رادیو اسرائیل (و بدنبال آن رادیوهای فارسی زبان کالیفرنیا) مبلغ آن هستند، جمهوری اسلامی طی چند هفته آینده باید سقوط می کرد و سقوط کند و بنابراین آنچه در ایران روی می دهد، حوادثی زود گذر و خنده دار بیش نیست. بزرگترین رویدادهای ایران، در تمام این سال ها، به همین ترتیب پشت این سیاست تبلیغاتی پنهان مانده و مهاجرین خارج از کشور، از ماهیت واقعی آنها غافل مانده اند و طبعاً نتوانسته اند در مسیر آن نقشی ایفاء کنند. سیرنگونی موعود هم فعلاً ۱۰-۱۲ سال است که به تاخیر افتاده است!

این سیاست غیر ملی، موجب شده است، تا مهاجرین از نقش بازار و ارتجاع مذهبی و بویژه سران حزب مؤتلفه اسلامی در جمهوری اسلامی غافل

بمانند و بدین ترتیب کانون بزرگترین رویدادها در ایران، پشت پرده مانده و تفاوت بین این طیف با طیف برابراک پنهان بماند. البته این سیاست و منش را می توان به نوعی پیوند طبقاتی بین جناح راست مهاجر با این طیف در داخل کشور نیز دانست!

همین سیاست، در تمام سال های گذشته، جان مایه کنفرانس ها و دیدارها و اتحادها و میزگردهائی بوده، که مهاجرین سیاسی ایران را با عناوین پوچ و بی ارتباط با رویدادهای داخل کشور و آکترناتیو سازی در خارج از کشور برای مردم داخل کشور سرگرم ساخته است. این فاجعه وقتی کامل می شود، که اعتراف کنیم، اپوزیسیون چپ و مترقی ایران نیز در سال های اخیر روی این موج حرکت کرده و از هرسووع تاثیر گذاری بر رویدادهای ایران عقب مانده است. تمامی صفحات مربوط به مقالات داخلی و وارده به کیهان لندن، مملو از همین بحث های بی ربط و تکراری با اسامی مستعار و غیر مستعار است. و این تازه جدا از خاطره نویسی و مقاله پردازی ژنرال های شاه، ساواکی ها و سیاستمداران وابسته به انگلیس و آمریکا دوزان شاه است، که از طریق این نشریه مهاجرین را شستشوی مغزی داده و با واژگونه جلوه دادن حقایق، به تحریف تاریخ واقعی سرگرمند. نقش و شیوه ای که هفته نامه "نیمروز" که شعبه ای از رادیو ۲۴ ساخته ایرانیان مقیم آمریکا محسوب می شود نیز آترا دنبال می کند!

تاسف و تأثر وقتی افزون می شود، که برخی سازمان های چپ و مدعی مارکسیسم-لنینسم دو آتشه برای استفاده از امکانات تبلیغاتی رادو اسرائیل و رساندن نام سازمان خود به داخل کشور، اغلب متمایل به تمسک سیاسی این رادیو اعلامیه و بیانیه صادر می کنند و این رادیو نیز، الحق که در این مورد سنگ تمام نیز می گذارد! تبلیغ بی وقفه تحریم انتخابات ریاست جمهوری از طریق رادیو اسرائیل، که همراه با پخش اخبار تحریف شده داخل کشور، تا پایان انتخابات ادامه داشت، نمونه بازاری در این خصوص است!

این سایه سنگین، چنان گسترده است، که تمام تلاش سال های اخیر "راه توده" برای هوشیار سازی مهاجرین چپ و بویژه دوستان و علاقمندان به سرنوشت سازمان فدائیان خلق ایران و نویسندگان نشریه "نامه مردم" برای فاصله گیری از این سایه سنگین و وصل کردن خویش به تحولات داخل کشور، نتایج بسیار اندکی را همراه داشته است. در جریان همین تلاش، ما در مقاطع مختلف (از جمله در باره آزادی های محدود مطبوعات و ضرورت دفاع از آن- کارزار برای احیای کانون نویسندگان ایران- انتخابات مجلس پنجم، ضرورت دقت بیشتر در باره زمان اعلام رای دادگاه میکونوس، ماجرای بازداشت و نه ربه شده شدن فرج سرکوهی، انتخابات مرحله دوم مجلس پنجم، انتخابات میاندوهای و سرانجام انتخابات ریاست جمهوری... طی نامه ها و تماس های مکرر خواهان مشورت های بسیار جدی برای تبادل مجموعه اطلاعات و دیدگاه شدیم. ما امیدواریم، انتخابات ریاست جمهوری و شکست سنگین سیاست تحریم و انفعال نقطه عطفی باشد برای توجه به هوشدارباش ها و زمینه ساز گفتگوهای جدی.

راه توده، حتی در هفته تبلیغات انتخاباتی و در جریان حوادث به جدی که در داخل کشور جریان داشت، بارها تلاش کرد تا بلکه به سیاست انفعال و تحریم در سازمان اکثریت و نشریه "نامه مردم" خاتمه ببخشد و در این تلاش، حتی به همه توده ای ها و فدائی ها توصیه کرد، با داخل کشور تماس گرفته و حوادث را خود شخصا دنبال کنند، تا خود بدانند در کشور چه می گذرد.

انتخابات ریاست جمهوری تمام شد، اما سیاست تخریب، بسی خیرنگهداشتن مهاجرت از اوضاع ایران، واژگونه جلوه دادن حقایق، برجسته کردن اعلامیه های سازمان ها چپی نظیر "راه کارگر" و جنجال های نویی از سوی رادیو اسرائیل و کیهان لندن به نوع دیگری دنبال شده و خواهد شد. طبعاً هیچ منطقی قادر به تغییر این سیاست ها نیست، زیرا سر نخ این سیاست ها، به منابع بین المللی وصل است و از اپوزیسیون مترقی کاری در این زمینه بر نمی آید، یگانه هنری که ما می توانیم داشته باشیم، جسارت فاصله گیری از این تبلیغات و جدا سازی حساب خود از آنست!

راه توده در شماره های پس از انتخابات مجلس پنجم، با همین امید تلاش کرد تا به سیاست تحریم تحولات در داخل کشور، که از سوی "نامه مردم" دنبال می شد، خاتمه بخشد و در همین ارتباط نوشت که این سیاست، یعنی تحریم، سیاستی است که از سوی سلطنت طلب ها دنبال می شود و مهاجرت را بدنبال خود میکشاند. البته نویسندگان "نامه مردم" پنبه ها را از گوش خود بیرون نیآوردند و ضمن تشدید حملات تبلیغاتی خود علیه "راه توده" مدعی شدند که همه نیروهای ملی تحریم را دنبال کرده اند و ارتباط دادن سیاست تحریم به سلطنت طلب ها، درحقیقت آنها را بزرگ کرده است!! گذشت زمان و

رویدادهای اخیر، باید بتواند نقش آزر خطر را ایفاء کرده و بسیاری را از خواب غفلت بیدار کند.

اظهارات "فرخ نگهدار" در مصاحبه با رادیو بی بی سی و بیان این واقعیت که انتخابات حادثه بزرگی بود، که طی آن مردم به حکومت گفتند "نه"، بیانات "بابک امیرخسروی"، رهبر حزب دموکراتیک مردم ایران در مصاحبه با بی بی سی و بیان این واقعیت که مهاجرت از اوضاع پرت است و همه چیز بستگی به تحولات داخل ایران دارد، و سرانجام اعتراف کمی مضحک لیدر مشروطه خواه شده در مهاجرت، یعنی "داریوش همایون" که خود یکی از دامان زندگان بحث ها و کنفرانس های بی ربط و پوچ و آلترناتیو سازی در مهاجرت است، در مصاحبه با همین رادیو و اعتراف به این واقعیت که تحولات در ایران است و از ما در مهاجرت کاری ساخته نیست... همه و همه باید چه ایران را از خواب بیدار کرده و به چاره اندیشی وا دارد!

موضع گیری های انفعالی

برای آنکه بیشتر در جریان موضع گیری ها و تحلیل های تخیلی و بی ارتباط با رویدادهای ایران، از سوی سازمان های چپ قرار بگیرد، نمونه هایی را در زیر می آوریم. اما پیش از آن ببینیم "کیهان لندن" چگونه به استقبال انتخابات اخیر رفت و چپ ایران را در مهاجرت به دنبال خود کشاند:

کیهان لندن و خاتمی

کیهان لندن، که در شماره ۶۵۸ خود اعتراف می کند، از اوضاع ایران بی خبر بوده و این بی خبری را به همه دیگران هم نسبت می دهد، بینیم در شماره ۶۵۷ و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، این انتخابات و موقعیت دکتر خاتمی را چگونه دیده و چگونه به تخطئه او و جنبش مردم برخاسته است. مقابله در صفحه ۶ و به قلم سردبیر کیهان لندن "هوشنگ وزیر" است:

«... هر نامزدی هم که از صندوق های رای برنده بیرون آید، نتیجه یکی است: جمهوری اسلامی همان خواهد بود که هست. مناسبترین رویکرد به شوخ غرسنندی است که کاملاً جدی گرفته شود.» (اشاره به طنزی که هادی غرسنندی در این باره می نویسد)

بر اساس این افاضات کیهان لندن، که در پائین خواهیم دید چگونه نویسندگان نشریه "نامه مردم" هم از روی آن کپی برداری کرده اند، مردم باید بروند در خانه شان بنشینند و بی خود وقتشان را صرف انتخاب کردن نکنند. جمهوری اسلامی خودش سقوط می کند و لابد در دامان سلطنت طلب ها! هوشنگ وزیر در ادامه می نویسد:

«... باری، به میدان آمدن محمد خاتمی پیامد منطقی اختلافی است که در بین الیگارشی بر سر سهمی که از قدرت می خواهند بوجود آمده است... در این رهگذر باز شدن مشت کسی که سال های تمام سنگ آزادی اندیشه را به سینه می زد (یعنی خاتمی) واقعیتی است که برای دریافتن آن نیازی به دانستن نتیجه انتخابات نیست. آیا دکتر خاتمی با تن در دادن به خود رانسی استبدادی شورای نگهبان در گزینش نامزدها به موجب "صلاحیت" آنها، نشان نداده است که جاری او، پیش از آن که در میان آزاد اندیشان باشد، در میان کسانی است که در این همه سال آزادی را سرکوب کرده اند؟»

حال ببینیم همین کیهان لندن، در شماره ۶۵۸ خود، در صفحه اول خود که پس از انتخابات انتشار یافته چه می نویسد و پس از آنکه همه را بدنبال خود برای تحریم انتخابات و بی اثر جلوه دادن جنبش مردم کشانده بود، ناگهان چه موضعی می گیرد. کیهان تحت عنوان "درسی تکانه نهند" می نویسد:

«آنان که لجرچانه به این نظریه چسبیده اند که نظام جمهوری اسلامی نظام کاملاً یکدست و یکپارچه ای است و نبرد جناح ها در آن یک "جنگ زرگری" بیش نیست، از انتخابات دوم خرداد آیا درس دیگری خواهند آموخت؟ چه آری و چه نه؟ این انتخابات حادثه ای سخت تکان دهنده است... چه گزینش دیگری در برابر آنها (مردم) بود؟ آیا می توانستند در خانه بنشینند و به اپوزیسیونی دل خوش کنند که با همه انبوهی، پراکنده مانده است و از عرصه عمل برکنار؟»

کیهان لندن بدین ترتیب همه اپوزیسیون زیر پوشش خبری و تفسیر خود و رادیو اسرائیل را به امان خود رها کرده و ساز دیگری را کتوک کرده و از درسی تکانه نهند یاد می کند! باید امیدوار بود، نه کیهان لندن که سیاست مشخصی را پیش می برد، بلکه اپوزیسیون چپ و مترقی ایران این درس تکانه نهند را گرفته و از سیاسی که همین کیهان لندن تا یک شماره قبل از

این موعظه تکانه نهند پی گرفته و ما در بالا و به قلم هوشنگ وزیر آنرا نقل کردیم، فاصله بگیرد.

همین روزنامه که در شماره آستانه انتخابات ریاست جمهوری، خبر انتخابات را در یک تیر کم اهمیت دستوری و در گوشه ای از صفحه اول خود با عنوان دستگیری چند جوان هنگام تبلیغات انتخاباتی منعکس کرده بود، در شماره بعد از انتخابات، بعنوان اعلام نظر رسمی سیاستگذاران پشت پرده خویش، در صفحه اول می نویسد:

«...برندگان اصلی انتخابات (که ظاهراً مردم ایران باید باشند) در برابر این نیرنگ رژیم همان گونه هشیار باید باشند و همان گونه بسیج شوند که در انتخابات نشان دادند»

البته می توان گفت، آنها که بی اعتنا به نقش شما برای به انفعال کشاندن مهاجرین ایرانی در انتخابات بسیج شدند، برای باقی ماندن در صحنه نیز نیازی به توصیه شما ندارند!

سازمان فدائیان اکثریت

این تحلیل و ارزیابی کیهان لندن، که پایه تبلیغاتی رادیو اسرائیل هم بود، ببینیم چگونه تاثیر خود را بر احزاب و نشریات مترقی مهاجرت نیز گذاشت و همه را از عمق رویدادهای داخل کشور بازداشت:

نشریه "کار" در شماره ۳۱ اردیبهشت ماه و سه روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری، تحریم این انتخابات را با این عنوان و به امضای شورای مرکزی سازمان (هفدهم اردیبهشت ماه) منتشر ساخت:

«از شرکت در انتخابات ضد دموکراتیک ریاست جمهوری رژیم خودداری کنید!»

ما تصور نمی کنیم، هیچ ایرانی اکنون نداند مردم ایران به چنین دعوتی، آنهم از سوی سازمانی که باید پایگاه و نیروش در میان مردم باشد، چه پاسخی داده اند. بهمین دلیل به صادر کنندگان این اطلاعیه، مانند همه موارد دیگر، توصیه می کنیم، از جو سازی مهاجرت و سیاست بازی دست کشیده و با وصل کردن خود به رویدادهای ایران و اطلاع بیشتر از آنچه در ایران می گذرد، به تجدید نظری اساسی در بینش و نگرش خود بپردازند و به مشی جدا از توده ها، برای بار دوم خاتمه بدهند!

شورای مرکزی سازمان اکثریت، در ادامه اطلاعیه تحریم انتخاباتی خود می نویسد:

«... به وظیفه ی تحمیلی مطلقاً ضد دموکراتیک تن ندهید. جمهوریت با ولایت فقیه سرسازگاری ندارد و بحران رژیم فقاهتی (راه توده: نه بازاری، نه ارتجاعی، نه وابسته، نه غارتگر، نه تجاری) که پیوسته رو به تعمیق بیشتر است، تنها در شرایط انزوی آن چه در نزد مردم کشور و چه در سطح بین المللی است که شتاب خواهد یافت و زمینه برای عقب نشینی ولایت فقیه در برابر رای و اراده ی آزاد مردم مساعد تر خواهد شد. (راه توده: این نگرش همان سیاست بازی و دنباله روی از سیاست جهانی و تبلیغاتی امپریالیسم و امید داشتن به این نیروی جهانی برای ایجاد تحولات در کشور نیست؟ این سیاست بی اعتقادی به نیروی مردم نیست؟ چرا نباید با خود صادق بود؟) با عدم شرکت در انتخابات حکومتی، به فضای ترور، توطئه و ارباب و سرکوب حاکم اعتراض کنیم. (البته مردم اعتراض کردند، اما نه با تحریم انتخابات!) در برابر یکه تازی شورای نگهبان بر حق طبیعی خود در انتخاب آزادانه ی رئیس جمهوری بایستیم... و انزوی رژیم ولایت فقیه را هرچه بیشتر به نمایش بگذاریم.»

برای آنکه عمق فاجعه بیشتر درک شود، به سرمقاله همین شماره "کار" هم سری بزنیم:

«... طرفداری اکثر ائمه جمعه از ناطق نوری و تبدیل کردن مساجد به پایگاه تبلیغاتی او و با در نظر گرفتن جو ارباب و وحشت و موضع گیری های اخیر خامنه ای به سود ناطق نوری، احتمال پیروزی خاتمی بالا نیست. در رژیم فقها رای مردم تعیین کننده نیست، این نظر فقهاست که پیش برنده است. در مجموع می توان گفت نتیجه انتخابات از قبل معلوم است. ممکن است انتخابات به دور دوم کشیده شود، ولی به احتمال زیاد در دور دوم این جناح با خشونت و وحشی گری بیشتر وارد میدان خواهد شد تا قدرت را انحصاراً بدست خود گیرد.»

راه توده: صحت این پیش بینی های پیامبرگونه را رویدادهای انتخابات، به نمایش درآمدن توان و اراده و آگاهی مردم و پیروزی خاتی در همان مرحله اول انتخابات ثابت کرد!!

نامه مردم

در این میان نشریه "نامه مردم" در شماره ۱۶ اردیبهشت ماه خود، با عنوان "ملاحظات پیرامون هفتمین انتخابات ریاست جمهوری رژیم ولایت فقیه" نوشت:

«...برای آنکه بتوان پیرامون انتخابات کنونی اظهار نظر روشنی کرد، بررسی و تحلیل چند جنبه اساسی و ویژگی های انتخابات کنونی ضروری است...» البته نامه مردم پس از تکرار شرح مصیبتی که مردم در جمهوری اسلامی با آن دست و پنجه نرم می کنند و کمتر کسی است که از آن اطلاع نداشته باشد، این اظهار نظر صریح و عده داده شده در مقدمه این ملاحظات را اینگونه مطرح می کند:

«...بسی شک مانند پنجمین دوره انتخابات مجلس اهرم هائی مانند شورای نگهبان، وزارت کشور، ارگان های سرکوبگر و غیره به کار گرفته خواهند شد، تا انتخابات در چارچوب نامزدهای "خودی" با موفقیت برگزار شود... هدف این انتخابات از دیدگاه جناح های حاکمیت و سران رژیم تامین شرایط برای حفظ و ثبات بخشیدن به رژیم ولایت فقیه و موجه نشان دادن از طریق کشاندن ائتلاف وسیع مردم به پای صندوق های رای است...» بدین طریق و بنا بر ادعای اظهار نظر روشن نباید در انتخابات شرکت کرد، که پاسخ این نوع اظهار نظرها و رهنمودهای روشن مهاجرتی را مردم در داخل کشور دادند!

راه توده

حالا ببینیم "راه توده" که آقایان کیهان لندن با چشم بستن بر حضور سیاست توده ای آن، همگان را غافلگیر شده و ناآگاه به مسائل ایران فرض کرده اند، در ماه های پیش از انتخابات چه نوشت و چگونه بجای قدر قدرت جلوه دادن ولی فقیه و فقها، ایمان خود را به نیروی مردم و آگاهی آنها اعلام داشت:

راه توده، دیماه ۷۵ شماره ۵۵ صفحه اول خود و با چاپ عکس دکتر خاتمی بعنوان کاندیدای جدید طیف چه مذهبی و کارگزاران نوشت: «آیا پیروزی نهائی ارتجاع بازار-روحانی محتوم و اجتناب ناپذیر است؟»

شاید کسانی، حتی در درون و پیرامون حکومت، (نکته ای که در نشریات چه مذهبی نیز در این زمان مطرح بود) خود را آماده پذیرش چنین فاجعه ای کرده باشند، اما تمام شواهد و قرائن در ایران از روحیه مقاومت توده ای در برابر این پیروزی تلخ و شوم حکایت دارد. عمق درک توده های مردم از این فاجعه و شناخت آنها از عاملین، هدایت کنندگان و حمایت کنندگان این فاجعه، در انتخابات دوره پنجم مجلس اسلامی به نمایش درآمد و بی تزلزل می توان گفت، در دو فرصت پیش رو، یعنی انتخابات "میان دوره ای مجلس" و "ریاست جمهوری" این اراده توده ای، علیرغم هرنوع توطئه و ترسندی که سازمان داده شود، به نمایش درخواهد آمد. باید با تمام توان و امکان خویش در راه استحکام هرچه بیشتر این اراده کوشید و جنبش مقاومت را با استفاده از هر فرصت، و بهره گیری از هر توان و نیروی، هر اندازه اندک و متزلزل، متشکل ساخته و سازمان داد. بدین خاطر است که امروز افشای چهره ارتجاع ضد ملی و آگاه ساختن وسیع ترین طبقات و اقشار اجتماعی از عمق این فاجعه ضد ملی، که فاجعه کنونی در ایران را تکمیل خواهد کرد، انقلابی ترین و درعین حال، یگانه ترین سیاست و مشی ممکن و وطن دوستانه است!!

راه توده در شماره ۵۷، اسفند ماه ۷۵، با عنوان انتخابات ریاست جمهوری، کارزارنویین "جنبش مردم" در صفحه اول خود نوشت:

«طرفداران سرمایه داری تجاری و ارتجاع مذهبی، خود مبتکر این تبلیغ شده اند، که هرگونه تلاش و کوششی بی فایده است و کاندیدای آنها برای ریاست جمهوری، سرانجام از صندوق آراء بیرون خواهد آمد! اینکه سرانجام چنین خواهد شد یا خیر و ناطق نوری جانشین هاشمی رفسنجانی می شود یا نمی شود،

کوچکترین ارتباطی با وظیفه امروز همه نیروهای مترقی - اعم از مذهبی و غیرمذهبی - برای حضور همه جانبه در کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری ندارد! از جمله اهداف طیف "روحانی-بازاری" برای بی فایده جلوه دادن تلاش ها، ایجاد انفعال و سرخوردگی و غفلت از همین کارزاری است، که باید علیرغم خواست تبلیغاتی این طیف، در آن حضور همه جانبه داشت. اگر آنها به پیروزی خود یقین داشتند، مانند همه سال های اخیر، دست به چنین تبلیغی نمی زدند. نه تنها دو مرحله انتخابات دوره پنجم مجلس، بلکه انتخابات میاندوره ای اخیر نیز به آنها نشان داد، که مردم هوشیار شده اند و به آسانی نمی توان فریبشان داد و رای آورد! بنابراین نه تنها باید با تمام قوا وارد صحنه شد و به کمک مردم برای ریختن آراء آگاهانه به صندوق های رای رفت، بلکه باید بر برنامه های جانشین تکیه کرد و خواست های مردم را با صراحت بیان داشت. مردم می خواهند و باید به طرد "خصوصی سازی"، طرد "غارتگران"، طرد "مافیای مالی"، طرد "حجتیه"، طرد "روحانیون بازاری"، طرد "طرفداران حکومت مطلقه بازار-مذهب" رای بدهند. بنابراین آن کاندیدائی که برنامه اش مقابله با این طیف باشد، از حمایت توده های مردم برخوردار خواهد بود»

راه توده در شماره ۵۹، اردیبهشت ماه ۷۶ با عنوان "مردم در برابر ارتجاع مذهبی-بازاری" نوشت:

«... انتخابات ریاست جمهوری که قرار است دوم خرداد ماه انجام شود، صحنه مقابله و مقاومت توده های میلیونی مردم به فقر و فلاکت کشیده شده ایران است، در برابر غارتگران اجتماعی، ارتجاع مذهبی... و بازار... ای غارتگری که در حزب مولفه اسلامی جمع شده و پشت روحانیون قشر و طرفدار سرمایه داری تجاری سنگر گرفته اند... انتخابات پیش رو، نه آسان برگزار خواهد شد و نه تقلب و تحمیل آن ریاست جمهوری که مقابله با مردم و سرکوب جنبش مردم هدفش باشد، از سوی مردم به آسانی پذیرفته خواهد شد... باید در راه خنثی سازی توطئه هائی که این طیف، برای نگهداشتن اهرم های قدرت در جمهوری اسلامی بدان متوسل شده و می شوند، یگانه راه حل آگاهی بیشتر مردم و بسیج آنها برای شرکت در انتخابات است. باید در راه خنثی سازی توطئه های ارتجاع برای ایجاد رعب و وحشت و خانه نشین ساختن مردم در روز رای گیری با قدرت وارد صحنه شد...»

روزنامه "رسالت" چرا "راه توده" را ضد انقلابی می داند؟

روزنامه رسالت، که ارگان روحانیت مبارز و مولفه اسلامی است، در هفته انتخابات ریاست جمهوری، فوق العاده "راه توده" که در آن از شرکت وسیع در انتخابات و طرد ارتجاع مذهبی-بازاری دفاع شده بود و شماره ۵۹ راه توده را که در آن دو دیدگاه دو کاندیدای اصلی انتخابات در صفحه نخست آن چاپ شده بود، یک دعوت ضد انقلابی ارزیابی کرد. این روزنامه مافوق انقلابی (۲) در استقبال از تحریمی که تمامی احزاب و سازمان های مهاجرت پیشه کردند و سکوت تائید آمیز پیرامون این سیاست، در باره "راه توده" و موضع آن نوشت: یک نشریه ضد انقلاب هواداران خود را برای اثر گذاری در انتخابات به شرکت در انتخابات فرا خواند! این موضع گیری "رسالت" را با این امید که نویسندگان و منتشر کنندگان دو نشریه "کار" و "نامه مردم" به عمق سیاسی پی ببرند که مورد تائید راست ترین جناح حاکم در جمهوری اسلامی است، در زیر می خوانید:

«بخش خبری: یکی از نشریات ضد انقلابی خارج کشور، با درج اخبار حمایت آمیز از آقای خاتمی به تبلیغات منفی علیه آقای ناطق نوری پرداخته است. نشریه ضد انقلابی "راه توده" در شماره اردیبهشت ماه خود آقای ناطق نوری را زن ستیز، ستیزگر با فرهنگ و هنر معرفی کرده و آقای خاتمی را طرفدار تنش زدانی درسیاست خارجی، احترام به فرهنگ و مذهب اقوام، تحمل دگراندیشان و پذیرش تنوع اندیشه ها، ورود زنان به کابینه و... معرفی کرده است... نشریه ضد انقلابی راه توده برای اثر گذاری در انتخابات، هواداران خود را به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری فرا خوانده است.» (۲۸ اردیبهشت)

بدین ترتیب "رسالت" آن نیاسی را به زعم خود ضد انقلابی می داند که خواهان حضور در انتخابات و موضع گیری به سود آن کاندیدائی است که مردم او را علیرغم همه تلاش رسالتی ها و همفکران و همسنگران برگزیده اند!